

نجواهای پیر آواز

لوح محفوظ موسیقی، استاد احمد ابراهیمی

با مقدمه
علیرضا پورامید

نگارش و گردآوری
علیرضا بنائی

مؤسسه موسیقی عارف
تهران ۱۳۹۳

سرشناسه	: ابراهیمی، احمد، ۱۳۰۵-۱۳۹۲
عنوان و نام پدیدآور	: نحوهای پیر آواز لوح محفوظ موسیقی، استاد احمد ابراهیمی / نشر گردآوری علیرضا بنائی؛ با مقدمه علیرضا بنائی
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه خدمات موسیقی عارف، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۶ص: مصور
شابک	: ۱۵۰۰۰ ریال: 978-600-9029-03-3
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
موضوع	: ابراهیمی، احمد، ۱۳۰۵-۱۳۹۲ - - سرگذشت‌نامه
موضوع	: آوازخوانان ایرانی - - قرن ۱۴ - - سرگذشت‌نامه
موضوع	: موسیقیدانان ایرانی - - سرگذشت‌نامه
شناسه افزوده	: بنائی، علیرضا، ۱۳۵۳ - - گردآورنده
شناسه افزوده	: پورامید، علیرضا، ۱۳۳۸ - - مقدمه‌نویس
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۲ الف ۲ الف ۱ الف / ۴۲۰ ML
رده‌بندی دیویی	: ۷۸۹/۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۳۳۸۰۶



انتشارات موسیقی عارف
مرکز نشر و پخش کتب و لوازم موسیقی
تلفن: ۳۱-۳۳۹۷۶۴۳۰ نمابر: ۳۳۹۱۴۳۱۴
WWW.AREF-MUSIC.COM

ابراهیم پیر آواز
(لوح محفوظ موسیقی استاد احمد ابراهیمی)

مقدمه: علیرضا پورامید

نگارش و گردآوری: علیرضا بنائسی

خوشنویسی روی جلد: استادان کابلی

طراح گرافیک: قاسم هاشمی

ویراستار ادبی و حروفنگار: شهاب منا

چاپ اول: ۱۳۹۳

تعداد: ۱۰۰۰ جلد

© حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۸-۰۰۲۲۹-۹۰۶۰۰-۹۷۸ BN: 978-600-90229-0-8

مرکز پخش

موسیقی عارف، تلفن: ۳۱-۳۳۹۷۶۴۳۰

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

دل داشت به سر هوای ابراهیمی با نغمهٔ دلربای ابراهیمی
خوش تر ز طراوت بهار است و شباب در چشم دلم نوای ابراهیمی

مهرداد اوستا، ۱۳۴۷

بلبل به درِ سرای ابراهیمی ریزد زرِ گل به پای ابراهیمی
آتش به تو می شود گلستانِ چرخ نیل گر گوش کنی نوای ابراهیمی

اسماعیل نواب صفا، ۱۳۸۰

بسمه تعالی

جناب آقای علیرضا بنائی، هنرمند عالیقدر و دوست عزیز، از
سازگشته به حال بیوگرافی اینجانب، احمد ابراهیمی،
مدرس و تارنوازی، موسیقی سنتی ایرانی را به طور تناوب
نوشته و ضبط فرموده و قرار [است] این شرح حال مکتوب
شود. بدین وسیله اعلام می‌دارد هر گونه استفاده مادی و
معنوی آن متعلق به معلمان است که به هر طریق که می‌دانند
آن را چاپ فرموده در اختیار عموم قرار دهند.

با احترام

احمد ابراهیمی

۱۳۹۷/۱۰



کتابخانه


 مجلس شورای اسلامی

المستشار (د. محمد صالح المنجد)

دارنده شناسنامه شماره ۱۱۰ صادر از دفتر دجله ۱۳۳۳ مورخه ۲۳ بهمن ۵۹
شورای ارشدیابی شهرنشین نورسین شاعران کشور بر روی این سند
این نامه مصوب جلسه ۵۶۸ مورخه ۷ دی ماه ۱۳۳۳ همراه بکلیه اسناد و مدارک
شورای عالی انقلاب فرهنگی گواهی شده درج و ارسال اعلام گردید.

سید محمد حسنی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

دینس شوروی از ریاضیاتی بهرمنده ان نویسنده کان شاعران کبیر

به نام خداوند جان و خرد

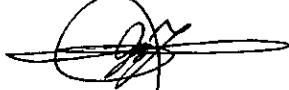
فرهنگه گرامی

استاد احمد ابراهیمی

در روز موسیقی ایران به عنوان میراث جهانی بشر در
یونیسکو یکی از افتخارات فرهنگ و هنر ملی ایران در
حوزه موسیقی به شمار می رود.
بدون شک نقش تمام بنیاد ملی این رخداد خجسته
بسیار ارزشمند می باشد و بوده است.
در مراسم گرامیداشت روز جهانی موسیقی هنرمان با دهمین
سالگرد تأسیس خانه موسیقی این آیین با حضور هیئت
همکاری و همراهی شما تقدیم می گردد.

رئیس شورای عالی موسیقی

محمد رضا شجریان



رئیس هیئت مدیره

محمد میرز



فهرست مطالب

۱۷	مقدمه علی‌رضا خرمی
۲۷	سخن مؤلف
۳۱	فصل اول: زندگی استاد خرمی
۴۳	فصل دوم: زندگی هنرمند استاد
۷۷	فصل سوم: پرسش و پاسخ با استاد ابراهیمی
۸۹	فصل چهارم: مصاحبه‌ها و مقالات (به ترتیب نام نویسندگان)
۹۴	مهدی آذرستنا
۹۷	سوسن ابراهیمی
۹۸	شیرین ادیب خوانساری
۱۰۱	به یاد استاد همایون خرم: غمگین چو پاییزم، از من بگریز
۱۰۳	رضا خرم: استاد احمد ابراهیمی از نگاه مهندس همایون خرم
۱۰۴	محمد دؤکو
۱۰۶	محمد رضا ژاله
۱۰۸	محمد سریر: هنرمندان از نسل دیگر
۱۱۲	شاهین شهبازی
۱۱۶	مصاحبه علیرضا بنائی با استاد هوشنگ ظریف
۱۱۸	حمیدرضا عاطفی: برای استاد آواز ایران، ابراهیمی، همان زندگی ناب است.
۱۲۰	محمد اسماعیل قنبری
۱۲۴	بدالله کابلی: تا نگردی آشنا زین پرده رمزی نشوی
	بهرروز مبصری: احمد ابراهیمی

- ۱۳۰ جمشید مشایخی
- ۱۳۲ فخری ملک‌پور: سخنی چند در مورد استاد احمد ابراهیمی
- ۱۳۴ هادی منتظری
- ۱۳۶ رضا مهدوی: که آتشی که نمی‌رد همیشه در دل ماست
- ۱۳۸ معصومه مهرعلی
- ۱۴۰ سیدعلیرضا میرعلی‌نقی: گوش بر نغمه‌ای از تنم یک دوران
- سیدعلیرضا میرعلی‌نقی: اگر یک آنتولوژی کامل فراهم می‌شد: تعظیمی به یک عمر هنری استاد احمد ابراهیمی
- ۱۴۵ مصاحبه سیدرضا بنائی با استاد منصور نریمان
- ۱۵۱ حسین یوسف‌زاده: درباره استاد احمد ابراهیمی، موسیقی‌شناس و خواننده متواضع و بی‌ادعا
- ۱۵۸ یادداشت پروین شهری، همسر استاد ابراهیمی
- ۱۶۱ اسناد ضمیمه
- ۱۶۳



۱- ابراهیمی، علیرضا پورامید



استاد هوشنگ ظریف، علیرضا بنائی، استاد احمد ابراهیمی

مقدمه علیرضا پورامید

احمدین و

فرهنگ صوت ایران - لحاظ منابع مکتوب، به اصطلاح هم‌زبانان تاجیکمان، «کم‌بغل» و «تذکیر» است. یکی از مواردی که بر این گنجینه می‌افزاید شرح حال بزرگان موسیقی و، به شرح آن مسائل و موضوعاتی است که حول و حوش زندگی هنرمندان و قضای اجتماعی - سیاسی آنان جریان داشته است. از این رو، تلاش صادقانه آقای علیرضا بنائی بسیر قلمی و نگارشی و بیان تقدیر است.

چیستی آواز؟

عبوری از عیار عاطفه

از روح تحریر و رهایی

بر حریر تار آواهای مشتاقین

پرند و پرینانی از جنس بشنیدن

بریشم‌بود در پیوند تار صوتی...

آه آواز

خسته‌خوان خیاگر دلسوخته آواز کن نور می‌بارد نه آواز آن گل‌راعی که در غنچه در حیا دران شد سبزه از خار ادمید در غم‌انگیز و حصار ای عندلیب آواز کن
سخن از بزرگ‌مرد آواز ایران، از معدود بازمانده‌های نسلی است که به‌درستی از استوانه‌ها و اسطوره‌های آواز ایرانی محسوب می‌شوند. تنها استادی که کماکان هم قابلیت اجرایی دارد و می‌تواند آواز بخواند و هم‌اینکه به تدریس و آموزش مشغول است. در مجموعه یادداشت‌ها و مقالاتی که در این کتاب راجع به ایشان آمده جای

مقالاتی به شکل آزاردهنده‌ای خالی است: نوشتاری از استادان علی تجویدی، دکتر حسین عمومی، محمد میرنقیبی، منوچهر همایون‌پور، بیژن ترقی، محمد بهارلو، محمود تاج‌بخش، و دیگر بزرگانی که خوشبختانه در قید حیات هستند، مثل استادان عبدالوهاب شهیدی، حسین ناهید، محمد موسوی، محمد گلبن، و... که شاهد بودم آنان چقدر نسبت به مقام هنری استاد ابراهیمی احترام و ارادت داشتند و بر توانایی‌ها و امتیازات او در حوزه ادبیات و آواز صخه می‌نهادند و واقعاً حق این بود که خود را به داشتن‌های آنان باشیم. در میان مطالبی که بیان خواهم کرد به برخی نظرها بزرگان در مناسبت خودش اشاره خواهم کرد.

قبل از اینکه به شخص استاد احمد ابراهیمی پردازیم، یا اساساً اگر بخواهیم شخصیتی چون استاد احمد ابراهیمی را مورد بحث و بررسی قرار دهیم، حتماً باید روزگار ایشان و دهمین سال از تولد و چندسالی را که منجر به تولدشان می‌شود در نظر بگیریم که اگر این سال باشد، نگرش ما تک‌بعدی خواهد بود.

استاد ابراهیمی متولد سال ۱۲۹۵ خورشیدی هستند. از چند سال پیش از آن، و به‌ویژه، بعد از آن، دهه‌ای که دهه ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰، و با تسامح یکی دو سال بیشتر اگر در نظر بگیریم، با شروع آخرین روزهای سال ۱۲۹۹ کودتای سوم اسفند و سیله سیدضیاءالدین طباطبایی همراه با رضاخان پهلوی، رضاخان میرپنج، اتفاق می‌افتد و از آن زمان تا سال ۱۳۰۴ که سلطنت از قاجاریه به پهلوی تبدیل می‌شود سال‌های ارتداد است و در این هشت سال، که تقریباً مصادف با جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ م)، معادل با ۱۲۹۶ تا ۱۳۰۴ خورشیدی) است، سال‌های بسیار پرآشوبی بر ایران می‌گذشت. روس‌ها نیمی از ایران را اشغال می‌کنند و سیاسیون ایران مهاجرت کرده به شهرهای ترکی می‌گریزند. برخی نیز به خارج از کشور رفته که جزئیات آن را در صفحات تاریخی می‌توان جستجو کرد. این روزها روزهایی است که تاریخ ایران سرشار از اتفاقات و در درشت و حوادثی است که بعضاً تأثیرگذار بوده‌اند و زمینه پیدایش شخصیتی به نام پهلوی اول می‌شوند. البته با حمایت قدرت‌های خارجی به حکومت می‌رسد. اینکه چگونه جامعه از فرهیختگانش تا عامه مردم پذیرای او می‌شوند کاملاً بستگی به آن چیزی دارد که جامعه را تحت تأثیر خویش قرار داده بود. در عرض همان هشت سال بیش از پنج

کابینه در ایران تشکیل می‌شود. این رخدادها میزان تنش و آشوب جاری در مملکت را نشان می‌دهند.

این سال‌ها به لحاظ حزبی و تفکر سیاسی مقارن است با پیدایش گروه ۵۳ نفر و شکل‌گیری تشکر چپ سیاسی؛ به لحاظ فلسفی رونق تفکر ماتریالیستی در ایران؛ و همچنین جنبش‌ها، قیام‌ها و شورش‌هایی مثل قائله شیخ خزعل در خوزستان، شیخ محمد خیابانی در آذربایجان، قیام‌های کلنل محمدتقی خان پسیان در خراسان، میرزا یحیی کتک جنگلی در گیلان، اسماعیل خان سیمیتقو در کردستان و جنوب آذربایجان و گردن‌کشی‌های نایب حسین کاشی^۱ و پسرش، ماشاءالله‌خان، در ایران مرکزی (کاشانی).

به لحاظ ادبی و در حوزه فرهنگ، شکل‌گیری جنبش‌های ادبی، مثل هفت نفر (گروه سبعة)، شکل‌گیری حوزة ملك الشعرا بهار، سعید نفیسی، بدیع الزمان فروزانفر و... و گروه ربه که تجدد طلبان و به اصطلاح به‌روزتر بودند، شامل صادق هدایت، بزرگ علوی، مسعود فرزند منجمی نووی، و در شعر ظهور شخصیت‌هایی مثل نیما یوشیج، پروین اعتصامی، ملک الشعرای بهار و... و در حوزه موسیقی مرحومان ابوالحسن صبا، روح‌الله خالقی، حسین علی‌بیگی، غلامحسین بنان، حسین تهرانی، نورعلی برومند، جلال تاج اصفهانی، اسماعیل ادیب خوانساری، حبیب سماعی، وزیر تبار، قصرالملوک وزیری، رهی معیری و ملقب به خان‌نی داوود که همگی متولد دهه ۱۳۸۰، و دقیقاً هم‌سن‌وسال مشروطیت هستند. بحال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ دوران شکل‌گیری شخصیت‌شان و بروز قابلیت‌های ایشان بوده است.

مخلص کلام اینکه آن‌روزها در هر حوزه که نظر کنیم به دستگانی را که پختگی و قوام‌شان در فاصله سال‌های مذکور است می‌توان دید و همچنین در این سال‌ها دانشگاه تأسیس می‌شود (۱۳۱۳) و بعد از آن افتتاح راه‌آهن بمبوه کشف حجاب، سفر رضاشاه به ترکیه، و افتتاح رادیو (۱۳۱۹) رخ می‌دهد. همه این رخدادها مصادف‌اند با دوران کودکی، نوجوانی و جوانی اشخاصی که متولد ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ هستند. دوران جوانی این عزیزان از طرف دیگر همزمان است با جنگ

۱. نایب حسین کاشی، جدّ خاندان آریان‌پور است که در روزگار ما از استادان دانشگاه و افراد بسیار موجه فرهنگی هستند.

جهانی دوم و اشغال ایران و فتح تهران، که به عنوان پل پیروزی نامیده می‌شود، و فتح متفقین و حضور پُرننگ‌شان و فرار یا استعفای رضاخان و به حکومت رسیدن محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) که مدتی مغضوب بوده است و دوباره به نخست‌وزیری برگزیده می‌شود و مقدمات تغییر پادشاه را ایجاد می‌کند.

استاد ما، احمد ابراهیمی، از این امتیاز برخوردار بود که در دوران جوانی‌اش محش و هوشیار و هوشین و همدم با این عزیزان باشد. صرف‌نظر از مادر بزرگوارشان که با شیوایی و ریاضت هنری در شکل‌گیری او تأثیر بسیار گذاشته است، و در جای دیگر به آن خواهیم پرداخت، آمدن‌شان به تهران و حسن اتفاق اینکه منزل‌شان در نزدیکی منزل مرحوم بابا و قریبی می‌شود، که بتواند تحت تعالیم ایشان قرار گیرد، همچنین به اشتغال از دوران جوانی به عنوان کمک‌خرج خانواده، به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی، همین‌که هوشیار و هوشین با افرادی (مثل مردی مسیحی) که در دوران کار در خیابان سعدی با آنان آشنا شد، به جملگی در زندگی ایشان خیلی تأثیر داشته است. همچنین اینکه از دست‌داده پدر در سن پنج‌سالگی و سختی‌هایی که در همان سن تحمل نموده، که داستانی مفصل است و از زبان خود ایشان باید شنید، از دیگر نکاتی است که در آبدیدگی و تجربه‌اندوزی تأثیر مؤثر بوده‌اند. مادر استاد از محدود نوازندگان تار، و از شاگردان صبا بود که بعد از ازدواج به غرب ایران می‌روند. در نوسود احمد ابراهیمی به دنیا می‌آید. وقتی مادر استاد به تهران بازمی‌گردند کار آموزش موسیقی را دنبال می‌کنند، زیرا می‌توانند از این هنر و بهره (نوازندگی و تعلیم تار) امرار معاش کنند و بدین ترتیب جناب ابراهیمی در فضایی سرشار از نغمه و نوا پرورش یافت. در اینجا بار دیگر تأثیر غیرقابل‌انکار هنرمندان را بر ایشان می‌بینیم (مثل تأثیر مادر صبا بر او یا تأثیر مادر رضا و مرتضی). عجیبی بر آنان که بسیار بیش از پدران‌شان بوده است، به‌ویژه مرتضی‌خان که مادرش موسیقی‌نواخته و همچنین خانمی به نام خیرالنسا که معلم اولیه مرحوم قمر بوده و نوازنده مادر او را داشته است و... که نشان می‌دهد مادران یا مادرخواندگان و دایه‌ها به چه میزان در تکوین شخصیت هنری و ادبی بزرگان ادب و هنر این سرزمین مؤثر بوده‌اند).

استاد در این فضای اجتماعی-سیاسی، که خیلی مختصر و گذرا بدان اشاره شد، تا سال‌های ۱۳۲۰ و بعد از اتمام جنگ (۱۳۲۴)، جوانی بیست‌ساله و مسلط به

ردیف‌های آوازی بودند. به معرفی مرحوم صبا به خدمت استاد خالقی می‌رسند و بعد از اینکه در رادیو امتحان می‌دهند مورد توجه ایشان قرار می‌گیرند، اما آقای خالقی، در عین اینکه به آموزش دیدن ایشان اذعان داشتند، او را از پختگی لازم برخوردار نمی‌بینند و ایشان را به مرحوم ادیب خوانساری معرفی می‌کنند. سپس خدمت ادیب می‌رسد و بعد هم نزد نورعلی خان برومند بخش آوازی را تکمیل می‌کنند و بعد هم خدمت مرحوم بنان رسیده از ایشان هم تعالیمی می‌گیرند. جملهٔ استاد بنان به آنند که تعلیم گرفتن ایشان از چند استاد با چند شیوهٔ مختلف و تقریباً ناممکن تدریس برای او توفیقی سه‌گانه بوده و برآیند این سه شیوهٔ متفاوت باعث شده است که استاد بنان به لحاظ تسلط بر ردیف و ظرایف آوازی، شگردها، دندانه‌ها و ریزکاری‌هایی که در آواز وجود دارد از ویژگی خاصی در آواز برخوردار شوند که خصوصاً به خودشان است. اما بیشتر شکل‌گیری شخصیت استاد به دلیل حشرونشرشان است. استادان چون حسین تهرانی، مرحوم محجوبی و... بوده است. این حشرونشرها صرفاً به عنوان منبری نبوده به شکل مهمانی یا نشست‌های خانوادگی یا محافل خصوصی می‌بوده و باعث شده‌اند استاد از دریافت‌ها و برداشت‌های متنوعی برخوردار شوند که موجب صیقل گوهرهٔ هنری ایشان شده است. او از نسلی است که هم‌دوره‌هایش در شاخه‌های مختلف موسیقی کسانی همچون علی تجویدی، حسن کسایی، حسین ده‌ری، جواد و بزرگ لشکری، محمد میرنقیسی، بیژن ترقی، دکتر حسین عمومی، برادران جلال آل‌احمد، سیمین دانشور، عبدالحسین زرین‌کوب، عباس زریاب خویی، در معرظهٔ ظاهر مصفا، عماد خراسانی، احمد شاملو، مهدی اخوان و سهراب سپهری - که یکی در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ به دنیا آمدند - هستند. پس از تأسیس رادیو به مجموعه‌هایی با اغلب آنان همکاری می‌کند. مقصودم اینجا توفیقی است اجباری چرا که همگی در استخدام یک مجموعه و در حشرونشر بودند و نشست‌های شبانه‌ای هم داشتند که سرشار از نوا و نغمه و قول و غزل و نوازندگی بوده است. با یک اختلاف سنی ده‌ساله، با استاد پرویز یاحقی (که البته خیلی زودتر و جوان‌تر از دیگر هنرمندان به عرصهٔ هنری رسید) نشست و برخاست داشته‌اند. با مرحوم همایون‌پور هم سن بودند که متولد همان دهه هستند. این گونه نشست و برخاست‌ها که در منزل بزرگانی چون قباد

ظفر، اسفندیارخان یگانگی و از این دست افراد هنردوست و متصنن برگزار می‌شده بر افزایش روز به روز دانسته‌های علمی و فرهنگی‌شان تأثیری بسزا داشته است.

از دیگر توفیقات ایشان برخورداری از محضر ادیبان به شکل غیرآکادمیک یا، به اصطلاح، مستمع آزاد بوده است. افرادی چون مرحوم فروزانفر، دکتر نائل خانلری و به ویژه مرحوم استاد جلال همایی. همچنین مرحوم محمدعلی ناصح که اتفاقاً به توصیه ایشان سفرنامه ناصر خسرو را تصحیح می‌کنند. گویا مأخذشان هم کتاب‌هایی از سفرنامه ناصر خسرو بوده که آن زمان در کتابخانه ملک وجود داشته است. استاد کتابی دارند مشتمل بر ۲۶۰ غزل از ۲۶ شاعر که با آنها محشور بوده‌اند و به تقاضای استاد شعرهای آن در کنار ایشان قرار داده‌اند؛ کسانی مثل علی اشتری، مرحوم شهریار، مهرداد اوسس، ابوالحسن وزری، مهدی سهیلی و... که مشخص می‌کند استاد از ذوق ادبی خوبی برخوردار بوده و با این استادان ارتباط تنگاتنگ داشته و شعر را بسیار خوب می‌شناسند. به علاوه، گاهی با ایشان نزد آقای ناصح همدرس بوده‌اند.

از دیگر توفیقات استاد این بود که وزارت فرهنگ و هنر وقت مشغول به کار بودند و جزو معدود هنرمندانی هستند که هم با رادیو و هم با وزارت فرهنگ و هنر همکاری داشتند و در نتیجه با بخشی دیگر نوعی دیگر از موسیقی که جدی‌تر و کمتر محفلی بوده است درگیر بودند. موسیقی وزارت فرهنگ و هنر آن دوره نسبت به رادیو تفاوت آشکار داشته و هنرمندان اغلب در آن نیز به تبع آن تفاوت بودند. اینجا جای بحث تفاوت‌ها نیست اما استاد از هنر و بخش فرهنگ تغذیه کردند و این موضوع در شکل‌گیری شخصیت هنری‌شان تأثیر داشته است. استاد ابراهیمی هنگامی که نزد آقای ناصح به آموزش ادبیات مشغول بود خدمت ابوالحسن خان جلوه می‌رسند و با مولوی و مثنوی آشنایی بیشتری پیدا می‌کند. آوازه‌خوان بودن ایشان در محافل ادبی و شعری امتیاز ویژه‌ای محسوب می‌شد و ایشان می‌توانستند در هر محفلی، صرف نظر از مختصات و ویژگی‌های آن شاخه و محفل، به اطلاعات جنبی و مطالبی که مربوط به آن شاخه نبوده پیردازند به طوری که در هر مجلسی که من دیدم آقای ابراهیمی شمع آن جمع بودند. برای نخستین بار، ایشان را در منزل استاد میرنقیبی زیارت کردم و آنجا از فضل و میزان تسلط‌شان بر ادبیات شگفت‌زده

شدم و می‌توانم به جرئت بگویم که از باسوادترین خوانندگان ایران‌اند و تسلط و سوادشان در ادبیات کم‌نظیر است.

شب‌ی در منزل آقای تجویدی به همراه مرحومان مهندس همایون خرم و سید محمد میرنقیبی با استاد توفیق نشست حضوری داشتم. آن شب به این دلیل که افراد اندکی حضور داشتند نشست طولانی و منحصر به فرد شد و من بسیار بهره‌مند شدم و به علاوه لازم فرمایش‌های استاد و دانش ایشان در حوزه ادبیات بهره فراوان‌تری بردم. در آنجا متوجه شدم که استاد ساعت‌سازی می‌کنند و قبل از انقلاب و در دوران جوانی شاق به این کار می‌پرداخته‌اند. ساعت‌سازی، کلیدسازی و جواهرسازی از صنوف بسیار پرستیژ هستند و کسی که به آن می‌پردازد از ظرافتی در ذهن و ضمیر برخوردار است و ظریف‌کاری و ظریف‌اندیشی و همچنین یک ذهن هنری احتیاج دارد. اگر چه این رشته‌ها جزو صنعت محسوب می‌شوند ولی بُعد هنری آنها فراتر از بُعد صنعتی آن است.

دوستی ما با استاد از دهه‌های گذشته و در طی این سال‌ها به منزل استادان دیگر نیز رفته‌ایم یا به اتفاق استادان دیگر به منزل استاد رفته‌ایم. خاطرم است همراه با استاد بیژن ترقی در منزل آقای ابراهیمی بودیم. در آنجا استاد ترقی سروده‌هایشان را خواندند و استاد ابراهیمی اظهار نظر کردند. بارها در مورد شعر مولانا و حافظ با یکدیگر بحث داشتیم و از ایشان بسیار آموختم. نظرهای ایشان بسیار مورد تأمل و موجه‌اند.

ممکن است اختلاف نظرهایی باشد، چرا که نگاه چنان مساعدی نسبت به شعر نو و نیمایی ندارند. در مقوله آواز نگاه موافقی به صدا ساز و پرورش حنجره به عنوان یک آموزش جداگانه ندارند و معتقدند کسی که در این شاخه گوشه‌ها را تعلیم می‌بیند به صورت خودکار از آن بخش هم برخوردار می‌شود البته فرمایش ایشان درست است اما الآن باتوجه به کمبود وقتی که وجود دارد نمی‌توان از هنجار جو توقع داشت مدت ده الی دوازده سال یا حداقل پنج شش سال تحت تعلیم و آموزش باشد. فرصت و مجال آنقدر نیست. حدود ۲۵۰-۲۰۰ گوشه آوازی داریم که هر هنجارجویی اگر بخواهد هفته‌ای یک گوشه را بیاموزد و غیت نکند و کلاس تعطیل نشود و... حداقل پنج الی شش سال طول می‌کشد تا تمام گوشه‌ها را بخواند. در نتیجه، با صداسازی می‌توان مقداری پایه توانایی‌های حنجره و پرورش تارهای صوتی را بالا

برد و هنرجو را جلو انداخت. در هر صورت، از جهتی نیز صدا سازی با سوء استفاده هایی که از آن می شود می تواند آموزنده نباشد. اینها نکاتی است که در گفتگو با خود استاد قاعدتاً دوست عزیزمان، آقای علیرضا بنائی که زحمت گردآوری و نگارش این اثر را متقبل شده اند، قطعاً بدان پرداخته اند و پاسخ های استاد را نقل کرده اند.

مطلب دیگری که از استاد قابل بیان است بزرگواری و بزرگ منشی و استقامت ایشان در رنج هایی است که کشیده اند: داغ جوان دیدن و هت همسر و... علی رغم همه اینها در دهه نهم عمرشان و با وجود عمل باز قلب، عمل چشم و مسائل مشابه و متعددی که ایشان در زندگی داشتند همچنان مقاوم، پراعتقاد، سرپا و سرزنده هستند. نکته دیگر صحبت کردن ایشان به لحاظ ادبی با بزرگانی همچون فروزانفر یا قراگوزلوها (مارالک قراگزلو و یحیی خان) و با استادان سینما، مانند استاد جمشید مشایخی و فرزانه تائب است که به استاد شخصیتی چندوجهی و چندگونه داده است. با سیاسیون زمان خودشان، نه به دلیل سیاسی بودن، بلکه هنرمند بودن، ارتباط داشتند و سیاست، سیاسی و دیپلماسی را که در حقیقت با بار منفی از آنها یاد می شود خیلی خوب درک می کردند.

نحوه آموزش استاد و سلوکش در آفرینش و رفتارش با هنرجو نمونه کامل یک انسان هنرمند شرقی متعهد است و روحی بلند و بخشندگی و کرامت و سخاوتی ویژه در آموزش دارند و در کلاس بسیار با انرژی حاضر می شوند. اگر هنرجویی مثلاً با کندی یا در دو سه بار تکرار یک گوشه بیاموزد باز اکتفا نمی کنند و بیشتر از اینها از یک هنرجو کار می کشد، در حالی که این کار انرژی بیشتری از خودشان می گیرد و نحوه انرژی خرج کردن استاد برای هنرجو مثلاً آهسته است. کسانی که خدمت ایشان رسیده اند قطعاً می توانند تأیید کنند که استاد با نگرانی به این شکل نمی توان سراغ گرفت.

ایشان به نوازندگی سه تار بسیار مسلط بودند. در شیوه خودشان و سراب های تفکیک شده، شفاف و شمرده ای داشتند. با تنبک بیش از سه تار آشنا هستند. خدمت استاد حسین تهرانی ضربی خوانی را کار کرده اند و به خوبی از پس این کار برمی آیند.

برای آموزش فرد مناسبی هستند و ای کاش یک دوره عالی در هنرستان‌ها یا دانشگاه‌ها می‌گذاشتند و از هنرشان استفاده می‌شد. البته در سال‌های گذشته خاطرم هست که در هنرستان دختران تعلیم می‌دادند که به دلایلی تعطیل شد.

ایشان همچنین از جهت حُسن خلق و خوشرویی زیانزد هستند و در خانواده موسیقی کسی نیست که با استاد مسئله‌ای داشته باشد یا استاد با او دچار مسئله باشد. در عین اینکه گاهی زودرنج و حساس هستند، بسیار بزرگوار و باکرامت و بخشنده‌اند و خیلی زود فراموش می‌کنند و اساساً در پی این‌اند که دلی را نیاززند. جاذبه‌شان بسیار فراتر از دنیای مادی است و این دافعه در مقابل جاذبه‌شان در حد صفر محسوب می‌شود.

استاد با عفت و ادب و طریقت هم‌دوره خودشان نیز ارتباط خوبی داشتند. شاگردی مرحوم ذوالاستی را کرده در مباحث معرفتی و عرفانی بسیار مسلط‌اند و مطالعاتی در این حوزه و حقیقتاً تخصص دارند و علاوه بر مطالعه، با عرفان و عرفا زندگی کرده مختصات معرفتی می‌یابند که اگر خودشان صلاح بینند توضیحات بیشتری خواهند داد.

دورانی که استاد به دبستان می‌رفت اولین دوره نظام آموزشی جدید بود و مکتب‌خانه‌ها به شکل جدید مدارس تغیر یافته و محصلین به کلاس‌های درس با نیمکت و تخته‌سیاه آمدند. همچنین دوران است که صرف‌نحو یا همان قواعد زبان فارسی تدوین گردیده است. از این جهات، توجه ویژه‌ای به نسل آنان می‌شده است و از اقبال‌هایی که نسل او نسبت به نسل‌های قبل داشت توجه به آموزش این نسل و همین‌طور بهداشت آنها است که ناشی از عوامل زمادی بود، از جمله ورود مدرنیسم و ماشین و نهضت ترجمه و اتفاقات بین‌دوره‌ای و اجتماعی و حوادث عظیمی که در خاورمیانه روی داد، مثل فروپاشی امپراطوری عثمانی و شرایط بسیار ویژه‌ای که سرزمین ما در آن دوران داشت.

از استاد آثار زیادی هست که حیف است به بازار نیاید و باید از نوا کاست به سی‌دی تبدیل شود. در این آثار کارهایی هست که با مرحوم بهارلو یا مرحوم تاج‌بخش اجرا شده‌اند. با ارکسترهای مختلف، از جمله ارکستر صبا، به رهبری آقای دهلوی کار کرده‌اند. بسیاری از کارهایشان هم ضبط نشده چون در آن زمان امکانات ضبط فراهم نبوده است.

رادیو تلویزیون با صدای ایشان در سال ۱۳۳۷ افتتاح می‌شود و تقریباً هیچ‌کس در حوزه موسیقی نیست که نامی از او برده شود و استاد از ایشان خاطره‌ای نداشته باشد و یکی از جامع‌الاطراف‌ترین افراد در موسیقی ایران هستند و انشاءالله سال‌های سال به سلامت زندگی کنند که ایشان به‌تنهایی یک مجموعه از تاریخ هنری ایران‌اند. کسانی که با ایشان حشرونشر داشتند گستره زیادی از موسیقیدانان را شامل است. از یک‌سو، علی‌خان درگاهی یا مرحوم طاهرزاده (که الآن دقیقاً در خاطرم نیست) و از سوی دیگر علینقی وزیری و موسیقیدانان جوان‌تر از ایشان، مانند مرتضی عجبی، صبا، خالقی و... تا استاد حسن ناهید که حدود هجده سال از او کوچک‌تر هستند و نیز جوان‌ترین هنرمندان امروز که شاگردان ایشان به‌شمار می‌آیند، مثل علیرضا هریس، مرتضی فلاحتی و از این‌گونه هنرمندان جوان. مجموعه این افراد که استاد با آنها کار کرده است و همین‌طور همکاری توأمان با رادیو و وزارت فرهنگ از ایشان یک شخصیت بی‌نظیر ساخته است.

در تعلیم شاگردان و گشایی و سفارش کردن آنها به مراکز مختلف و میدان‌دادن به آنها نشانه‌های فرهنگی از دست‌و‌دل‌بازی و سخاوتمندی هنری او دیده می‌شود و اینکه از هرگونه بدل و بدل و کینه خالی‌اند. کمتر موردی را دیده‌ام که استاد، خدای‌ناکرده، از کسی به نیکمیت گرفته باشد و همواره هم با مدیران هنری ارتباط خوبی داشته و با بی‌اطلاعی و کم‌اطلاعی و کم‌دانشی مدیران فرهنگی و هنری با سعه صدر برخورد می‌کردند. اگر در خانه موسیقی نیازی احساس می‌شد یا لزوم عیادت بیماری، حضوری جانانه پیدا می‌کرد، مخاطرم است ایشان با عده‌ای از اهالی موسیقی به دیدار سعادتمند قمی در دماوند می‌رفت و با وجود سرمایی که در آنجا بود و مریض هم شدند باز هم ابراز پیشمانی نکرد و هرگز از اینکه در جایی مفید واقع شوند راضی بودند.

چکیده سخن اینکه استاد نمونه کامل از یک هنرمند است و به لحاظ انسانی در مرتبه بالایی قرار دارند. تمام هنرهایی که دارند در برابر شخصیت و ریس و نفیس ایشان کمرنگ است و آنچه که به‌عنوان برجسته‌ترین صفت و خصوصیت ایشان می‌توانم نام ببرم انسانیت ایشان است و باز هم انسانیت و باز هم انسانیت.

سخن مؤلف

تاریخ گوی بسید
موسیقی ایرانی به واسطه تحولات زیاد در طول تاریخ روزبه‌روز به‌سوی تکامل بیشتری گام برداشت، به‌خصوص از زمانی که راه خود را از سایر همسایگانش، مثل ترک و عرب، جدا کرد. اینکه جدایی به دلیل مسائل سیاسی یا اجتماعی بوده است امروز مورد بحث نیست؛ موضوع مورد بحث، رشد چشمگیر موسیقی ایرانی بعد از آن دوره است. بی‌شک خانواده فراهانی نقش گوی این تحول تأثیر بسزایی داشتند. استادان دیگری نیز همدوره با آن خانواده یا بعد از آن این مسیر را هموارتر کردند؛ بزرگانی چون کلنل وزیری، روح‌الله خالقی، ابوالحسن صبا، تقی‌محبوبی، نورعلی برومند و در آواز کسانی مثل ادیب خوانساری و بنان درامش و تدریس این بزرگان استادان دیگری به این زنجیره پیوستند و بر ادامه این راه پیروز نشیب اصرار ورزیدند. استاد احمد ابراهیمی امروز میراث‌دار آن هنر والا و تنوع‌یافته از نسلی است که موسیقی را جدا از عشق تعریف نمی‌کردند. نسلی که بدون زنده داشتن مسائل مادی و امور دنیوی در پی خواسته‌های دل خود رفتند و خواسته‌های نامرئی تأثیری بسزا در روند رشد موسیقی ایرانی گذاشتند.

استاد ابراهیمی که به شهادت اهل هنر و هم‌دوره‌هایش از برترین‌های آواز بوده و هست متأسفانه زمانی که به اوج رسید و موقع بهره‌بردن جوان‌ترها از توانایی‌های کم‌نظیرش بود به‌یکباره از فضای اجرا و فعالیت‌های جمعی در موسیقی فاصله گرفت و ترجیح داد از آن پس به‌دور از هیاهو به زندگی آرام خود بپردازد اگرچه از وظیفه خطیری که استادانش بر دوش او گذاشته بودند غافل نماند و این مسئولیت مهم را با

تدریس و تربیت شاگردان بسیاری در طول این سال‌ها به انجام رساند. همه می‌دانیم که اگر این سال‌ها در صحنه می‌ماند، می‌توانست پلی محکم‌تر در انتقال داشته‌هایش از آن نسل به هنرمندان امروز باشد.

متأسفانه به دلیل کمبود امکانات لازم جهت ضبط آثار بزرگان در آن دوره ما امروز به بسیاری از داشته‌های آنان دسترسی نداریم و این خود دلیل محکمی است بر این نهادن به توانایی‌هایی مردی که حافظه کم‌نظیرش در نقل خاطرات و ارائه تصانیف قدیمی او را به تاریخ‌گویای موسیقی بدل کرده است و از این‌روست که هنرمند و پژوهشگر گرامی، آقای بهروز مبصری، به‌زیبایی او را «لوح محفوظ موسیقی» لقب داد است.

او سالیان درازی را کسترهای مطرح آن‌زمان و هم‌نوازان بزرگی همکاری داشته است که به دلیل شکاف ذکرشده امروز دسترسی به اکثر آنان بسیار دشوار و شاید غیرممکن باشد. همین دلیل است که آثار منتشرشده از استاد ابراهیمی در سال‌های اخیر به همت رضا مهری و همکاری شاهین شهبازی دارای ارزش فراوان است، چرا که تاحدی در معرفی هنرمندان نسل جدید کمک کرد. خوشحالم شرایطی فراهم شد تا من نیز بتوانم به گفته‌ها و ناگفته‌های استاد ابراهیمی را به گوش اهل هنر برسانم.

...

در منزل دوست عزیزم، محمدرضا ژاله، عکسی قدیمی درم مربوط به شصت سال قبل، شاید هم بیشتر. بنان را شناختم ولی شخص دیگر را چون تا از بنان بود. آقای ژاله گفت احمد ابراهیمی است، ردیف‌دان و موسیقی‌شناس، استاد شاگرد بنان.

زمانی که در بنیاد وزیری خدمت استاد حسین دهلوی درس می‌خواندم و موسیقی می‌گرفتم استاد ابراهیمی در کلاس کناری ما آواز تدریس می‌کردند و طول مدتی که ما با استاد دهلوی کلاس داشتیم تصنیف‌هایی قدیمی با صدایی سوخته و سرشار از احساس از آن کلاس به گوش می‌رسید که بعضاً حواس ما را از درس اصلی به خود معطوف می‌کرد. ایشان را همیشه پس از کلاس در آن مرکز می‌دیدم ولی هیچ‌گاه فرصتی برای همدیگر فراهم نمی‌شد.

روزی آقای ژاله تماس گرفتند و گفتند فردا به دیدار استاد ابراهیمی می‌روم، تو هم بیا تا با ایشان بیشتر آشنا شوی. با کمال میل پذیرفتم و فردای آن‌روز به دیدار ایشان رفتیم. ملاقاتی سرشار از شور و شوق و لحظاتی که با بیان خاطرات ایشان همراه شد. طی تعریف آن خاطرات بارها تنبک را برداشت و به یاد یاران و دوستان قدیمی که او را تنها گذاشتند ضریبی گرفت و تصنیفی خواند. پس از آن، ملاقات‌های من با ایشان تداوم پیدا کرد. علاوه بر آوازهای ناب و تصنیف‌های زیبا ایشان از تلخ و شیرین روزگار گفتند و از استادان آن‌زمان به حسرت یاد کردند. از کلاس‌های مادرش، استاد صبا و... از اولین دیدارشان با استاد نورعلی برومند... و من گفته‌ای استاد را بل درس ضبط می‌کردم.

پس از چندی، آن جلسات جهت دادیم و به بررسی بیشتری در زمینه زندگی شخصی ایشان که با هنر می‌تنیده بود پرداختیم. هرچند استاد در جاهای مختلف طی این سال‌ها این مطالب را به‌طور متناوب در میان گذاشته بودند، تاکنون اقدامی جهت مکتوب کردن گفته‌های ایشان نشده بود. دست‌نوشته‌های این دفتر چکیده‌ای است از مصاحبه‌های مکرر با آن مرد بزرگ؛ نظراتی برگرفته از زندگی ایشان؛ نظر به بیش از شصت سال فعالیت هنری. به دلیل وسعت مطالب سعی در خلاصه‌نویسی شده است تا بیشتر به نکات مهم پرداخته شود. لازم به ذکر می‌دانم کلیه مطالب درج‌شده در این مجموعه مستند به صدای استاد احمد ابراهیمی است که هنگام نگارنده به امانت است.

از آنجا که بررسی ابعاد اجتماعی و هنری استاد در توان نگارنده نبوده و نیست، استادان و هنرمندان شایسته‌ای اینجانب را با ارائه مقاله‌ها انجام مصاحبه بدون هیچ چشمداشتی یاری کردند که از تک‌تک آنان صمیمانه سپاسگزارم. هم‌چنین از:

- دو استاد بزرگوار، جمشید مشایخی و یدالله کابلی، که به‌سبب دوستی دیرین با استاد ابراهیمی استادانه در کنارمان بودند،
- استاد احمد ابراهیمی و همسر گرامی ایشان، خانم پریش شهبازی، که در طول این مدت با صبر و بردباری مرا همراهی کردند،
- دوست عزیز و نوازنده تار، پوریا پورنیک‌کی که در تهیه بخشی از عکس‌های این مجموعه مرا یاری کرد و به گفته استاد ابراهیمی او چون فرزندی مهربان در این سال‌ها در کنار استاد بوده است،

- آقایان امینی و دَوَگو که با ارسال عکس‌های موردنیاز اینجانب را یاری کردند،
- ابراهیم جنانی عزیز که در تهیهٔ برخی عکس‌های این دفتر و همچنین انجام امور اداری همراهان بود،
- دوست عزیز و هنرمندم، خانم معصومه مهرعلی، که چون همیشه مهرش را از من دریغ نکرد و به‌غایت تلاش کرد تا طیّ این مسیر برایم میسر شود صمیمانه سپاسگزارم.

علیرضا بنائی

فروردین ۱۳۹۲، تهران